



دکتر علی اکبر شعاری نژاد*

چگونه کتاب درسی تهیه کنیم؟^۱

پیش از تحلیل پرسش مذکور، ضروری است به چند نکته زیر دقیقاً توجه کنیم؛ زیرا بدون مبانی نظری مطمئن و روشن نمی توان به عملکرد مطمئن و معتبری دست یافت.

- استقلال در عمل، مستلزم استقلال فکری است. پس، کسی که تقلیدی و کلیشه‌ای بیندیشد، هرگز نمی تواند به طور مستقل عمل کند یا بر خویشتن متکی باشد بلکه نیاز دارد دیگری دست او را بگیرد. بدیهی است در چنین صورتی، اراده شخص، اراده دیگران خواهد بود. بنابراین، هدف مدرس شایسته در آموزش، این است که دانشجویان بتوانند مسئولیت یادگیری را شخصاً عهده دار شوند، در آموختن و افزایش معلومات و تجربه های خود، استقلال پیدا کنند و بتدریج از وجود حضور معلم بی نیاز شوند.

- کم و کیف وسیله آموزشی به اندازه هدف آموزش اهمیت دارد؛ زیرا دستیابی به هدف بدون استفاده از وسایل و ابزارهای مناسب ممکن نیست.

انسان معاصر، این واقعیت را به * عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

کتاب درسی باید تا حدودی، اطلاعات مهم در یک رشته یا حوزه معین را به شکل منظم و منسجم، تلقین و تألیف کند.

روشنی دریافته است که پیدایش و گسترش تمدن و فرهنگ بشر، بیش از هر چیز به وجود، چگونگی تحریک، راهنمایی و شکوفایی استعداد یادگیری افراد بستگی دارد. تا فرد آماده یادگیری نباشد و محیط حاکم بر او و برای آموختن، مساعد و محرک نباشد نباید انتظار داشت که او چیزی یاد بگیرد یا یادگیری او در حد مطلوب باشد. جامعه نیز در صورتی می تواند از فرهنگ پیشرفته و متکامل برخوردار شود و تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار نگیرد که افرادش:

- برای یادگیری مستقل، اندیشیدن مستقل و عمل کردن مستقل انگیزه داشته باشند،

- از افزایش و گسترش علم و

معرفت خویش لذت ببرند،

- روش یادگیری را بدانند،

- منابع یادگیری را بشناسند،

- برای برخورداری از زندگی

سالم و مشروع بدانند چگونه و در چه مواردی از آموخته های خود استفاده کنند؛ زیرا هیچ علمی به خودی خود ارزش اخلاقی ندارد و نمی توان (و نباید) آن را «خوب» یا «بد» تلقی کرد، بلکه چگونگی استفاده از آن مهم است. علم گاهی ممکن است به تأمین رفاه و سعادت همه جانبه انسان کمک کند یا برعکس به دست نااهلش بیفتد و به فساد و تباهی انسان بینجامد و او را به پایان یافتن حیات بیش از علاقه مندی به ادامه آن برانگیزد، که این وضع را «فاجعه علم» (در واقع فاجعه دانشمندان) خوانند.

بنابراین، آموزش هر علم باید با راهنمایی دقیق یادگیرنده به چگونگی استفاده مطلوب و مفید از آن توأم باشد. با توجه به آنچه گفته شد می توان گفت که برخورداری از زندگی انسانی سالم و مشروع:

۱. مستلزم یادگیری مداوم است.

۲. یادگیری مداوم، مستلزم تلاش

مسئولانه، پیگیر، انگیزش هدفمند،

راهنمایی مسئولانه و منابع یا مراکز

یادگیری معتبر است.

کتاب درسی محدوده فعالیت‌های آموزشی استاد و دانشجو را در طول یک نیم سال یا سال و یا دوره تعیین می‌کند و تقریباً موجب رفع نگرانی ایشان می‌شود.

۳. انجام گرفتن موفقیت‌آمیز این فعالیتها طبعاً کوششهای مسئولانه و دلسوزانه استادان و فراهم ساختن امکانات آموزشی مورد نیاز را ایجاب می‌کند.

توجه به این نکته مهم است که هر وسیله آموزشی هنگامی مؤثر و سودمند خواهد بود که در دسترس یادگیرندگان باشد، و از آن بموقع و برای رسیدن به هدف معین و با مهارت و درست استفاده شود. به بیان دیگر، هر وسیله آموزشی، اعم از کتاب درسی^۱، آزمایشگاه و غیره زمانی سودبخش خواهد شد که با هدف آموزشی ارتباط مستقیم داشته باشد، مدرس و دانشجو، در مواقع مورد نیاز، با دقت و آگاهی کامل، آن را به کار بندند.

هرگونه آموزش رسمی (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستانی و دانشگاهی) پنج عنصر یا عامل زیربنایی دارد و آموزش و پرورش، تجلی تعامل مداوم میان آن پنج عامل است که عبارتند از:

۱. معلم در هر سطح و مقطع آموزشی،

۲. محصل (دانش آموز و دانشجو) در همه مقاطع تحصیلی،

۳. برنامه درسی یا محتوای مصوب دروس،

۴. وسایل آموزشی و کمک آموزشی،

۵. موقعیت آموزشی و یادگیری یا همه اوضاع زمانی / مکانی مؤثر در چگونگی آموزش و یادگیری در محیط تحصیلی.

بدیهی است که کیفیت آموزش و پرورش رسمی کشور ما به کیفیت تعامل میان عوامل مذکور بستگی دارد، به طوری که نمی‌توان یکی از آنها را تنها متغیر و مؤثرترین آن در چگونگی آموزش و پرورش رسمی تلقی کرد. بنابراین، مسئولان آموزش و پرورش کشور باید، در همه مقاطع آموزشی به همه این عوامل همزمان توجه کنند و همه آنها را مهم تلقی کنند؛ زیرا همگی هدف مشترکی دارند.

در کشور ما همانند بسیاری از کشورهای جهان، هدفهای کلی^۲ و رفتاری^۳ آموزش و پرورش در برنامه درسی پیش‌بینی و به صورت مواد و مطالب درسی گوناگون، منعکس می‌شود. برنامه‌های درسی نیز، در بیشتر موارد، به شکل کتابهای درسی در اختیار استادان و دانشجویان قرار می‌گیرد. در واقع، بیشتر مدرسان و دانشجویان از محتوای برنامه‌های درسی بی‌اطلاع هستند و تنها کتابهای درسی را در اختیار دارند. بنابراین، کتاب درسی در مراکز آموزشی ما آن‌چنان مهم شده است که بدون آن نه تنها دانشجویان، بلکه بیشتر استادان نیز احساس سر درگمی و اضطراب می‌کنند. از این رو، کتاب درسی ارزشهای زیر را داراست:

۱. محدوده فعالیت‌های آموزشی استاد و دانشجو را در طول یک نیمسال یا سال و یا دوره تعیین می‌کند و تقریباً

موجب رفع نگرانی ایشان می‌شود؛ زیرا آنها بسهولة، می‌توانند محتوای کتاب درسی را بر حسب جلسات درس تقسیم، طبقه‌بندی و برنامه‌ریزی کنند و این طبعاً به نوعی اطمینان خاطر می‌انجامد.

۲. کتاب درسی می‌تواند، تا حدودی، اطلاعات مهم در یک رشته یا حوزه معین را به شکل منظم و منسجم، تلفیق و تألیف کند هر چند احتمالاً تازگی لازم را نداشته باشد.

۳. گاهی برخی از کمک‌های آموزشی از قبیل تصاویر، آمارها، نمودارها، پرسشها، نقشه‌ها، تمرینها و غیره را در بردارد.

۴. موجب صرفه‌جویی در وقت استاد و دانشجو می‌شود.

۵. به دانش آموز یا دانشجو امکان می‌دهد که فرصت تمرین و مطالعات بیشتری داشته باشد.

۶. تعیین تکلیف درسی و انجام دادن آن را آسان می‌کند.

۷. دانشجویان یک رشته، یک کلاس یا یک ماده درسی خاص را هماهنگ می‌کند و به آنها امکان می‌دهد که درباره مسائل مشترکی بحث کنند و یکدیگر را بیازمایند.

۸. به فعالیت‌های درسی استاد و دانشجو نظم منطقی می‌دهد.

۹. استاد را از توضیح و بحث زیاد بی‌نیاز می‌کند.

کتاب درسی، در هر مقطع آموزشی و در هر ماده درسی و یا همه مزایا و مساجن خود وسیله یا ابزار آموزشی تلقی می‌شود نه هدف.

۱۰. محدوده بحث و مطالعه رسمی درباره یک موضوع یا یک عنوان را تعیین می‌کند.

۱۱. از آشنگی و پراکنگی حقایق که دانشجویان از منابع گوناگون گردآوری می‌کنند، جلوگیری می‌کند.

۱۲. دانشجویان را به مطالعه عادت می‌دهد.

کتاب درسی، در هر مقطع آموزشی و در هر ماده درسی و با همه مزایا و محاسن خود:

الف) وسیله یا ابزار آموزشی تلقی می‌شود نه هدف.

ب) نمی‌تواند همه حقایق و یافته‌های یک رشته علمی را دربرداشته باشد.

ج) نباید دانشجو را از مشاهده مستقیم، کنجکاوی، تحقیق، و تجربه شخصی بازدارد.

معیارهای مهم کتاب درسی مطلوب کتاب درسی، با توجه به ارزش و اهمیتی که در آموزش و پرورش رسمی کشور ما دارد و منعکس کننده هدفهای تربیتی مطلوبی است در صورتی نقش خود را بدرستی ایفا خواهد کرد که بر اساس معیارهای زیر تدوین شود:

۱. شامل تازه‌ترین و آخرین یافته‌های علمی موضوع خود باشد.

۲. تفکر انتقادی دانشجویان و حتی استاد را برانگیزد و حس کنجکاوی آنها

یکی از معیارهای مهم کتاب درسی مطلوب این است که به زبان قابل فهم و روشن برای همه دانشجویان و معلمان تألیف شود.

را رشد و گسترش دهد.

۳. انتخاب و ترتیب و تنظیم مطالب یا محتوای آن براساس نیازهای

فردی و اجتماعی - حال و آینده - دانشجویان انجام گیرد.

۴. به زبان قابل فهم و روشن برای همه دانشجویان و معلمان تألیف شود، یعنی:

- کلمات و اصطلاحات، روشن و مفهوم باشند و در صورت به کار بردن مفهوم تازه یا مبهم، باید درباره آن توضیح داده شود. البته، منظور از ساده‌نویسی این نیست که متن کتاب درسی عامیانه باشد و زبان روزنامه‌ای پیدا کند بلکه باید در سطحی باشد که دانشجویان با مطالعه آن، بر خزانه لغات و فرهنگ خود بیفزایند و هرگز از تفکر انتقادی بی‌نیاز نشوند.

- جملات آن کوتاه و رسا باشد.

- هیچ‌گونه غلط دستوری نداشته باشد و حتماً علامتگذاری انشایی دقیق انجام گیرد؛ زیرا در فهم مطلب، بسیار مؤثر است.

۵. گرایشها، عقاید و افکار درست و مستند را مطرح کند و درباره افکار و عقاید احتمالاً نادرست با احترام بحث کند و از هرگونه توهین به اشخاص یا تحقیر افکار خودداری کند.

۶. درست‌نویسی (املایی و انشایی) را به طور غیرمستقیم به دانشجویان بیاموزد.

۷. عبارتهای تکراری و مترادفهای غیرلازم نداشته باشد.

۸. دانشجویان را نه تنها از مطالعات جنبی یا کتابهای دیگر بی‌نیاز نکند،

کتاب درسی خوب باید شامل تازه‌ترین و آخرین یافته‌های علمی موضوع خود باشد.

بلکه در موارد گوناگون ضرورت مطالعات جنبی و اضافی را یادآوری کند.

۹. ابتکار و خلاقیت را از استاد و دانشجو سلب نکند.

۱۰. برای هر عنوان تمرینهای کافی داشته باشد.

۱۱. مثالها و شواهد را، تا حد امکان، با محیط زندگی دانشجویان مرتبط کند.

۱۲. تصاویر، نمودارها و نقشه‌های مورد نیاز را داشته باشد.

۱۳. خلاصه هر مبحث یا فصل در آخر آن آورده شود.

۱۴. در پایان هر فصل، پرسشهایی را مطرح کند که پاسخ به آنها مستلزم مطالعه دقیق فصل و استدلال باشد نه حفظ کردن صوری مطالب.

۱۵. در صورت امکان، در پایان هر فصل یا مبحث به منابعی که از آنها استفاده شده یا منابع دیگری که دانشجویان باید مطالعه کنند، اشاره شود.

۱۶. سرانجام، در تهیه و تألیف کتاب درسی، برای هر مقطع و هر موضوع، باید محتوا و ظاهر کتاب طوری باشد که خواننده بتواند به برداشتهای مورد نظر مؤلف برسد. به عبارت دیگر:

نباید فراموش کنیم که در نوشتن کتاب درسی، اصالت با خواننده است نه نویسنده یا مؤلف؛ همچنان که در سخن

گفتن، اصالت با شنونده است نه گوینده؛ زیرا خواننده یا شنونده هنگامی تحت تأثیر سخنان گوینده یا نویسنده قرار خواهد گرفت که آنها را بفهمد و فهمیدن، شرط اول اعتقاد یافتن است و اعتقاد یافتن، شرط ضروری عمل کردن می‌باشد.

علاوه بر آنچه گفته شد رعایت نکات زیر نیز در تدوین کتابهای درسی ضروری است:

۱. ترتیب و تنظیم منطقی مطالب یا محتویات، به طوری که، مثلاً، درس دوم یا متن دوم، آسانتر از درس یا متن اول نباشد، بلکه باید همیشه از آسان به دشوار، از ساده به پیچیده، و از مختصر به مفصل تنظیم شود.

۲. حروف و کلمات روشن و خوانا باشند.

۳. در حاشیه هر صفحه، به اندازه چهار سانتیمتر سفید باشد تا دانشجو بتواند توضیحات اضافی لازم برای کلمات و اصطلاحات هر صفحه را در همان صفحه بنویسد.

۴. هر کتاب با مقدمه مختصری آغاز شود شامل: هدف کتاب، روش مطالعه آن و راهنماییهای لازم برای افزایش معلومات در آن موضوع.

۵. پس از مقدمه، فهرست مطالب یا مباحث کتاب آورده شود.

۶. سپس، محتوای کتاب که شامل متون یا موضوعات درسی، خلاصه، پرسشها و منابع مورد استفاده است قرار داده شود.

۷. آوردن توضیحات لازم برای برخی مفاهیم در پاورقی صفحه‌ای که

باید محتوا و ظاهر کتاب طوری باشد که خواننده بتواند به برداشتهای مورد نظر مؤلف برسد.

مفهوم به کار رفته است؛ که در این صورت، مفهوم و توضیح لازم آن با هم مورد توجه خواننده قرار می‌گیرد و این نیز به تداعی آن دو در ذهن کمک می‌کند. در حالی که آوردن این‌گونه توضیحات در پایان کتاب، تداعی مذکور را از بین می‌برد و به یادگیری لطمه می‌زند.

۸. اعراب‌گذاری روی کلمات نامأنوس یا دشوار و کلمات خارجی.

۹. آوردن معادلهای خارجی در متن، داخل پرانتز مقابل مفهوم به کار رفته نه در پاورقی به منظور سهولت تداعی.

۱۰. رعایت رسم‌الخط هماهنگ پذیرفته در زبان فارسی در همه کتابهای درسی.

۱۱. صحافی دقیق و تمیز و محکم.

در هر حال، نباید فراموش کنیم که «کتاب درسی» نخستین وسیله آموزشی در آموزش و پرورش رسمی کشورماست، و محققاً چگونگی این ابزار ارزشمند، در یادگیری آن بسیار مؤثر خواهد بود.

کتاب درسی، در هر مقطع و برای هر درس، به‌طور عمده برای محصل (دانش‌آموز یا دانشجو) نوشته می‌شود نه برای معلم، بنابراین باید فرصت داد که دانشجویان شخصاً آن را بخوانند و برای حل مسائل آن شخصاً بکوشند.

در جهان امروز، با وجود رشد و گسترش روزافزون تکنولوژی آموزشی و اختراع وسایل آموزشی متعدد و

متنوع و واقعاً جالب برای محصلان، در همه مقاطع تحصیلی، باز هم «کتاب درسی»، به رغم محدودیتهایی که دارد، موقعیت و ارزش خاص خود را حفظ کرده است و هنوز آموزش رسمی نمی‌تواند از آن بی‌نیاز باشد.

معیارهای کتاب درسی در عنوان یا موضوع خاص

خصوصیات همگانی هرگونه کتاب درسی اشاره کردیم و اکنون به معیارهای کتاب درسی یک موضوع خاص، مثلاً ادبیات فارسی یا ریاضی یا فیزیک و یا روانشناسی اشاره می‌کنیم با تأکید فراوان روی این چند نکته اساسی که مؤلف کتاب درسی هنگامی می‌تواند کتاب درسی مؤثر یا مطلوب، تهیه و تألیف کند که:

الف) حتماً فلسفه روشنی در آموزش و پرورش جامعه خودش داشته باشد؛ یعنی بتواند به پرسشهایی از این‌گونه براحتمی پاسخ دهد:

- چرا باید کتاب درسی تألیف کرد؟
- رسالت یا هدف غایی این کتاب درسی چیست؟ یا چه تغییر رفتاری را می‌خواهد در خوانندگانش به وجود آورد؟

- چرا و از چه لحاظ باید این کتاب درسی با سایر کتابهای درسی هماهنگ باشد؟

ناید فراموش کنیم که در نوشتن کتاب درسی، اصالت با خواننده است نه نویسنده یا مؤلف؛ همچنانکه در سخن گفتن، اصالت با شنونده است نه گوینده.

- چرا و چگونه این کتاب درسی نباید معلم و مخصوصاً دانشجویان را از مطالعات آزاد بی‌نیاز کند؟

- این کتاب درسی چگونه مطالعه مداوم را ایجاد می‌کند؟

- جایگاه این درس و کتاب درسی آن در میدان آموزش و پرورش جهان و از جمله کشور ما کجاست؟

ب) مؤلف نیازهای فردی و اجتماعی حال و آینده خوانندگان خود را دقیقاً بدانند. بدیهی است که برای این منظور، باید روانشناسی خوانندگان مورد نظر مطالعه شود.

ج) نیازهای حال و آینده جامعه را دریابد و در نظر بگیرد؛ زیرا مطالعه کتاب درسی باید به تغییر رفتار محصل یا دانشجو، از وضع موجود به وضع مطلوب، بینجامد و از او شهروند مؤثری برای کشورش بسازد چرا که جامعه، سرمایه‌گذار اصلی آموزش و پرورش هر کشور است.

د) درباره موضوع کتاب درسی، اطلاعات جامع و لازم داشته باشد؛ یعنی بخوبی بداند علم یا موضوع کتاب درسی او چه سرگذشتی دارد، اکنون در چه وضع و موقعیتی است، به حل کردن چه مسائلی در جهان معاصر انسان می‌پردازد، با چه مشکلاتی مواجه است، و با چه روش یا ابزارهایی باید آن را آموخت.

ه) به شیوه و روش تدوین کتاب درسی برای سطح یا مقطع مورد نظر آشنا باشد.

و) پیوسته آن را شخصاً و با نظر انتقادی مطالعه و بازبینی کند و برای

کتاب درسی نخستین وسیله آموزشی در آموزش و پرورش رسمی کشور ماست و محققاً چگونگی این ابزار ارزشمند فرساده‌گیری آن بسیار مؤثر خواهد بود.

تکمیل یا اصلاح آن براساس حقایق و یافته‌های جدید موضوع اختصاصی خود بکوشد.

کتاب درسی یک موضوع خاص را می‌توان با معیارهای زیر ارزیابی کرد:

۱. آیا مطالب آن، مستدل و مستند هستند؟

۲. آیا زبان کتاب درسی، قابل فهم و مؤثر است؟

۳. آیا کنجکاری دانشجویان را برمی‌انگیزد؟

۴. آیا بر تعداد پرسشهای دانشجویان می‌افزاید؟

۵. آیا تفکر انتقادی دانشجویان را برمی‌انگیزد؟

۶. آیا کمکهای آموزشی لازم را دربردارد؟

۷. آیا به مقتضیات زمان / مکان توجه دارد؟

۸. آیا مؤلف (یا مؤلفان) درباره موضوع کتاب درسی، اطلاعات علمی و پژوهشی لازم را دارد؟

۹. آیا مؤلف، اصول یا قواعد مورد نظرش را بخوبی توضیح داده و روشن کرده است؟

۱۰. آیا به موارد متعدد و متنوع کاربرد این اصول و قواعد، اشاره کرده است؟

۱۱. آیا کتاب درسی برای تحقق

هدفهای گوناگون، انعطاف‌پذیر است؟

۱۲. آیا مؤلف همواره کوشیده است که نگرشها و گرایشهای علمی را در همه مقوله‌های کتاب مراعات کند؟

۱۳. آیا کتاب درسی، کاربردهای علمی اصول مورد بحث خود را رغبت‌انگیز ساخته است؟

۱۴. آیا به فهمیدن این اصول، بیش از حفظ کردن آنها عنایت دارد؟

۱۵. آیا وضع عمومی کتاب درسی طوری است که بیشتر دانشجویان می‌توانند به آسانی و شخصاً از محتوای آن استفاده کنند؟

خلاصه هر فصل یا مبحث. قبلاً گفته شد که در تدوین کتابهای درسی باید خلاصه محتوای هر فصل یا مبحث، در پایان آن آورده شود به این شکل که:

۱. به نکات و مفاهیم اساسی، که باید آموخته شوند، اشاره شود.

۲. ترتیب منطقی این نکات و مفاهیم دقیقاً رعایت شود.

۳. صورت انشایی نداشته باشد بلکه به شکل ۱... ۲... ۳... و ... به ترتیب شماره زیر هم نوشته شود.

بهرتر است در خلاصه‌نویسی، البته در صورت امکان، از کلمات (غیر از اصطلاحات) و عبارات دیگری استفاده شود که این امر خود به آموزش دو نکته کمک می‌کند:

اول آنکه دانشجو عملاً درمی‌یابد که آن مطلب را می‌توان با کلمات و عبارات دیگری هم گفت یا نوشت. دوم آنکه دانشجو را از یادگیری قالبی یا کلیشه‌ای باز می‌دارد.

مؤلف باید نیازهای حلال و آئینده جامعه را دریابد و در نظر بگیرد؛ زیرا مطالعه کتاب درسی نباید به تغییر رفتار محصل یا دانشجو، از وضع موجود به وضع مطلوب، بینجامد و از او شهروند مؤثری بسازد. چرا که جامعه، سرمایه‌گذار اصلی آموزش و پرورش هر کشور است.

پرسشهای پایان هر فصل یا مبحث. به این نکته هم قبلاً اشاره کردیم که هر کتاب درسی باید در پایان هر فصل یا مبحث پرسشهایی را برای اندیشیدن و پاسخ یافتن مطرح کند. هدف عمده از طرح این پرسشها کمک به دانشجویان است که پس از پایان دادن یادگیری هر فصل یا مبحث، یا مطالعه آن پرسشها و با یافتن پاسخهای درست آنها، خود را ارزشیابی کنند. این عمل علاوه بر اینکه باعث تقویت و تثبیت مفاهیم آموخته

شده می‌شود دانشجویان را برای شرکت و موفقیت در ارزیابی پایانی نیز آماده می‌کند. پس باید در طرح چنین پرسشهایی، بیشتر دقت کرد و نکات زیر را مورد توجه قرار داد:

۱. هدف کلی و رفتاری آموزش آن فصل یا مبحث را در نظر گرفت.
۲. هر کدام از پرسشها باید دانشجویان را به اندیشیدن و کشف پاسخ درست برانگیزد، نه اینکه آن پاسخ را در صفحه‌ای از کتاب درسی پیدا کنند.
۳. پاسخ در یک کلمه «آری» یا «نه» خلاصه نشود، بلکه مستلزم توضیح و تبیین باشد.
۴. پرسش، روشن باشد به طوری که دانشجویان یا بفهمند که از ایشان چه خواسته می‌شود یا چه انتظاری از ایشان دارند.
۵. در هر صورت، پرسشهای پایان

فصل یا مبحث، در عین حال که تکرار غیرمستقیم محتوای آن فصل یا مبحث است، با تحریک مستقیم تفکر، بویژه تفکر انتقادی، خود نوعی آموزش تازه تلقی می‌شود.

منابع و پی‌نوشتها:

۱. مقاله عمدتاً حاصل تجربیات مداوم مؤلف در زمینه کتاب درسی است.
2. text book.
3. educational objectives.
4. behavioral objectives.
۵. در مورد چگونگی تهیه و تألیف کتابهای درسی در کتاب «مبانی روانشناختی تربیت» از همین نگارنده از انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۷۵) بتفصیل بحث شده است.

چیز نام تو نیست بر زبانت	ای یسار مونس روانم
*	*
عالم ز تو هم تهی و هم پر	ای محرم عالم تحیر
*	*
مقصود دل نیازمندان	ای مقصد همت بلندان
در باز کن درون نشینان	ای سرمه کش بلند بینان
*	*
به زین نتوان رقم کشیدن	در عسالم عالم آفریدن
*	*
و آنگاه رهی چو موی باریک	عقل آبله پای و کوی تاریک
این عقده به عقل کی گشاید	توفیق تو گرنه ره نماید
*	*
کز لطف زیم ز قهر میرم	شک نیست در اینکه من اسیرم
یا قهر مکن به قهر خویشم	یا شربت لطف دار پیشم
*	*
لبیک زنان به جستجویت	احرام گرفته‌ام به کسویت
ز احرام شکستتم نگهدار	احرام شکن بسی است زنه‌ار
*	*
ادامه در صفحه ۷۲	